



پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: امیرحسین محسنی ثانی، ۱۳۹۸

دین در جامعه و چگونگی اثر گذاری آن بر سیاست

با گذشت قرن‌ها از ابلاغ ادیان الهی بر پیامبران و تاثیر عمیق آن بر باور های اعتقادی مردم، از مسائل مهمی

که همواره مطرح بوده بررسی دامنه تاثیر دین در بخش های مختلف از جمله بر جامعه، سیاست، اقتصاد و دیگر مسائل بوده است. هدف از این پژوهش، بررسی دین در جامعه و چگونگی اثر گذاری آن بر سیاست می باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی می باشد. بررسی نتایج پژوهش نشان می دهد که صرف نظر از تلازم مفهومی دو مقوله دین و سیاست، اصولا توجه به سه بخش اصولی تعالی اسلام، ایدئولوژی، شریعت و اخلاق، خود مبین این رابطه عمیق، اصولی و جدایی ناپذیر میان آن دو است و با توجه به محتوا و مسائل ماهوی دین و سیاست، جایی برای تردید باقی نمی ماند که در اسلام رابطه دین و سیاست یک رابطه منطقی و ماهوی است و این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند و جدایی ناپذیر، و به عبارت دیگر این رابطه به عنوان یک اصل و یک مبنای کلی و زیربنایی در تفکر اسلامی غیر قابل انکار می باشد. در عرصه سیاست و قلمرو دین مشترکاتی وجود دارد که این دو را در هدف و یک سلسله مسائل مهم زندگی اجتماعی، به هم مربوط می سازد. ولی در عین حال، هر کدام از آن دو، ممیزات و ویژگی های اختصاصی خود را دارند و به همین دلیل در شرایط خاص ناگزیر از یکدیگر جدا می شوند. مثلا در شرایط فساد دولت و اقتدار سیاسی حاکم که راه هر نوع اصلاح و دگرگونی بسته می شود، دین راه انزوا پیش می گیرد و پیروانش را به کناره گیری از ورطه سیاست فرا می خواند، چنانکه سیاست و سیاستمداران نیز در شرایط استبداد دینی و فساد اقتدار دینداران، ممکن است که دین را از صحنه خارج کنند، گرچه خود دیندار هم باشند.

کلیدواژه‌ها: دین، سیاست، روابط قدرت، روابط حکام با مردم، اصل ولایت پذیری

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۱۰۰۲۹۸۱۰۰۱

تاریخ دفاع: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

رشته‌ی تحصیلی: فلسفه و کلام اسلامی

دانشکده: علوم انسانی

استاد راهنما: دکتر محسن ولایتی

M.A. Thesis:

Religion in society and how it affects politics



As the centuries have passed since the divine religions were communicated to the prophets and its profound effect on people's beliefs, one of the most important issues that have been raised has been the study of the influence of religion in various sectors including society, politics, economics and other issues. The purpose of this study is to examine religion in society and how it affects politics. This research is applied in terms of purpose and descriptive in terms of implementation. The results of the study show that regardless of the conceptual intertwining of the two categories of religion and politics, the three principal parts of Islamic excellence, ideology, shari'a, and ethics are the ones that express this deep, principled and inseparable relationship between them. As to the substantive content of religion and politics, there is no room for doubt that in Islam the relationship between religion and politics is a logical and substantive one, both necessary and indispensable, in other words, as a principle. And a general and underlying basis for Islamic thought is undeniable. In the realm of politics and the realm of religion, there are commonalities that link them in purpose and in a series of important social life issues. But at the same time, each of them has their own distinctive features and features, and therefore inevitably separate from each other in certain circumstances. For example, in conditions of state corruption and political authority that shut down any reform, religion will lead to isolation and call on its followers to step down from politics, as will politicians and politicians in conditions of religious despotism and corruption. Religious authority may expel religion, even if they are religious.